یادداشت

ناکامی‌ها تکمیل شد

بیژن ذوالفقارنسب

■ تیم امید به نظرم، پریروز حذف نشد بلکه مشکلات این تیم که بعد از المپیک ۱۹۷۶ مونترال کانادا آغاز شد، باعث حذف این تیم بود. این تیم در سال‌های ۸۴-۸۰ به دلایلی در المپیک حضور پیدا نکرد و از دوره بعد نیز دیگر تیم‌های زیر ۲۳ ساله باید در مسابقات شرکت می‌کردند که با توجه به ضعف همیشگی ما در رده‌های پایه، مشکلات بیشتر شد و یک حسرت ۴۰ ساله را برای ما رقم زد.علت اصلی ناکامی تیم امید، ناهماهنگی و بی‌برنامگی در فدراسیون فوتبال و کمیته‌های مربوط به آن است. رییس فدراسیونی که نداند، بازیکنانش در چه وضعیتی از نظر اخطار و اخراج قرار دارند، چگونه می‌تواند فدراسیون به آن عریضی و طویلی را اداره کند. وقتی نامه بین سه کمیته فدراسیون گم می‌شود، چطور انتظار داریم که فدراسیون با اقتداری داشته باشیم. حتی اگر فدراسیون، یک فایل ساده در مورد تیم‌ملی امید درست می‌کرد، هیچگاه چنین فاجعه‌ای رخ نمی‌داد.به نظرم تیم ملی امید از نظر فنی هم دارای مشکلات زیادی بوده. این تیم در بازی رفت هم در اربیل عراق به هیچ عنوان خوب بازی نکرد، به‌خصوص در ۱۵ دقیقه پایانی که به شدت تحت فشار بود. تیمی که برای موفقیت چهار سال وقت دارد و تنها در هفت یا هشت ماه نزدیک به مسابقات برای تشکیل تیم تصمیم می‌گیرند و در همین مدت هم سه سرمربی عوض می‌کند، بهتر از این نمی‌شود. ما در این مدت تنها یک بازی تدارکاتی داشتیم که برای فوتبال ایران فاجعه است. علی منصوریان در این ناکامی نقش داشت، اما کادر فنی که ۱۰ جلسه برای آمادگی یک تیم وقت دارد، چطور می‌تواند با آمادگی کامل تیمش را برای چنین بازی حساسی آماده کند. به همین دلیل دیدیم که تیم ما در هر دو بازی ضعیف‌تر از عراق حاضر شد و در بازی دوم با خوش‌شانسی با دو گل شکست خوردیم. نباید این نکته را فراموش کرد، بازیکنی که روحیه ندارد و می‌داند با آن همه زحمتی که در بازی رفت کشیده، پیروز میدان شده، حالا آن بازی به یک شکست سه بر صفر تبدیل شده، معلوم است که نمی‌تواند بازی اصلی خود را به نمایش بگذارد. بازیکنان ایران بسیار بی‌روحیه بودند و در ساق‌های آنها ناامیدی دیده می‌شد. فدراسیون فوتبال و شخص علی کفاشیان در این چهار سال گذشته، فهرست کاملی از ناکامی دارند که هرکدام برای نابودی یک فوتبال کافی است. این ناکامی‌ها برازنده فوتبال ایران نیست و باید فکر اساسی برای این فوتبال کرد که به چنین روزی افتاده.

نامه گمشده در فدراسیون، برد «اربیل» ایران را به باخت تبدیل کرد

فاجعه ورزشی ملی

عکس: رویترز

حذف زودهنگام از دیدارهای انتخابی المپیک لندن یک ناکامی دیگر در کارنامه فدراسیون فوتبال ثبت کرد. البته پنجشنبه‌شب دقایقی پس از شکست صفر- ۲ ایران در تهران مقابل عراق مشخص شد برای فوتبال ایران یک فاجعه بزرگ رخ داده، نه فقط یک ناکامی ورزشی. علیرضا منصوریان، سرمربی تیم امید پس از بازی از «گاف» تاریخی مسوولان فوتبال ایران پرده برداشت و آن موقع بود که همگان متوجه شدند تیم ایران قبل از اینکه در ورزشگاه آزادی به عراق ببازد، به مسوولان خود باخته بود. خبر باورنکردنی بود؛ بر اثر سهل‌انگاری مسوولان تیم امید، این تیم در بازی رفت خود در اربیل از یک بازیکن محروم خود استفاده کرده بود؛ مساله‌ای که فیفا متوجه آن شده بود و چهارشنبه به اطلاع فدراسیون فوتبال ایران رساند و به احتمال فراوان به زودی کمیته انضباطی فیفا نتیجه بازی رفت را که با برد یک بر صفر ایران به پایان رسیده بود ۳بر صفر به سود عراق اعلام می‌کند.

پس از اعلام این خبر از سوی منصوریان روشن شد، چرا با اینکه بازیکنان تیم امید با یک اندوخته قابل اتکا پای به بازی برگشت گذاشته بودند باز هم بازی را با حملات سراسیمه شروع کردند؟ چرا بازیکنان پس از گل اول عراق کاملا تسلیم شدند و چرا منصوریان و شاگردانش در اواخر بازی برای رسیدن به گل به آب و آتش نمی‌زدند؟ بازیکنان تیم امید که به واسطه برد ارزشمندشان در اربیل از صعود به دور بعد مطمئن بودند ساعاتی قبل از بازی متوجه شدند که آن ذخیره طلایی به دلیل اشتباه عجیب مسوولان تبدیل به یک باخت ۳ بر صفر شده و حالا برای صعود، به زدن چهار گل نیاز دارند. بازیکنان بی‌روحیه تیم امید به جای زدن چهار گل، دو گل دریافت کردند تا حسرت حضور فوتبال ایران در المپیک ۴۰ساله شود. آخرین حضور ایران در رقابت‌های فوتبال المپیک به سال ۱۹۷۶ مونترال برمی‌گردد و حالا ایران باید تا المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو صبر کند. به هر ترتیب، در این ناکامی کمترین تقصیر بر گردن بازیکنان و کادر فنی تیم امید است که در بازی رفت یک نمایش تحسین‌برانگیز در خاک عراق داشتند. اینکه سه ماه پیش از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا اعلام شود کمال کامیابی‌نیا به دلیل دو اخطاره بودن اجازه حضور در این بازی را ندارد ولی کسی این موضوع مهم را به اطلاع کادر فنی نرساند، یک فاجعه به شمار می‌رود و نشان‌دهنده سهل‌انگاری و بی‌نظمی در فوتبال ایران است.

به احتمال فراوان اگر این اشتباه نابخشودنی در فوتبال هر کشوری رخ می‌داد تمامی عوامل استعفا می‌دادند یا اخراج می‌شدند، اما در ایران در دو روز گذشته مسوولان تلاش کردند تقصیر را گردن دیگری بیندازند. در این میان تماشاگران که دیگر از ناکامی‌های پیاپی فوتبال ایران به ستوه آمده‌اند در اواخر بازی به شدت علیه مسوولان فدراسیون شعار دادند. البته آنها از دسته‌گل بازی رفت بی‌خبر بودند وگرنه واکنش تندتری هم نشان می‌دادند. بازیکنان و کادر فنی تیم امید، دیگر قربانیان گاف فدراسیون فوتبال بودند. علیرضا منصوریان پنجشنبه‌شب پس از بازی درباره این اتفاق تاریخی گفت: «ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه امروز (پنجشنبه) اتفاقی در تیم امید افتاد که در تاریخ فوتبال جهان بی‌سابقه است و به نظر من باید آن را در کتاب گینس ثبت کنند. به من اطلاع دادند که کمال کامیابی‌نیا در بازی رفت دو اخطاره بوده و ما نمی‌توانستیم از او استفاده کنیم و به همین خاطر بازی رفت را ۳ بر صفر بازنده شده‌ایم. این یعنی اینکه ما باید امروز عراق را با چهار گل شکست می‌دادیم تا صعود می‌کردیم! تمام تلاش من و کادر تیم امید این بود که این خبر را مخفی نگه داریم تا شاید اتفاقی که در ملبورن برای تیم ملی افتاد بار دیگر برای تیم امید تکرار شود.» منصوریان تایید کرد موضوع دو اخطاره بودن کامیابی‌نیا در تاریخ چهارم اسفند گذشته به فدراسیون اعلام شده ولی اطلاعات درستی در این خصوص در اختیار کادر فنی و سرپرستی تیم امید قرار نگرفت و این بازیکن در بازی رفت در اواخر بازی به میدان آمد. سرمربی تیم امید عنوان کرد که تیم عراقی هم از این موضوع بی‌خبر بود، برای همین کادر فنی تلاش کرد تا قبل از بازی، این خبر رسانه‌ای نشود: «تیم عراق هم تا دقیقه ۳۰ نمی‌دانست نتیجه مسابقه رفت را برده است و ما از همین عدم اطلاع حریف استفاده کردیم تا بتوانیم معجزه‌ای را رقم بزنیم.»

اگر این اشتباه نابخشودنی در فوتبال هر کشوری رخ می‌داد تمامی عوامل استعفا می‌دادند یا اخراج می‌شدند، اما در ایران در دو روز گذشته مسوولان تلاش کردند تقصیر را گردن دیگری بیندازند. در این میان تماشاگران که دیگر از ناکامی‌های پیاپی فوتبال ایران به ستوه آمده‌اند در اواخر بازی به شدت علیه مسوولان فدراسیون شعار دادند

منصوریان نخواست به طور علنی کسی را به عنوان مقصر اعلام کند: «من باید به عنوان یک مربی چند بار به کمیته روابط بین‌الملل بروم و اوضاع تیم را جویا شوم؟ وظیفه من در حیطه فنی است و نمی‌توانستم هر دقیقه اوضاع تیم را چک کنم.» در آن‌سو علی کفاشیان نظر دیگری دارد؛ او معتقد است چون هنوز فیفا برای بازی رفت رایی صادر نکرده منصوریان و بازیکنان باید بازی خوبی انجام می‌دادند. رییس فدراسیون در این‌باره گفت: «در نامه‌ای که فیفا به ما ارسال کرده هیچ تصمیمی مبنی بر ۳ بر صفر بازنده شدن ما وجود نداشته است. تمام مستندات این موضوع وجود دارد و ما آن را به زودی منتشر خواهیم کرد. نمی‌توانیم بهانه‌گیری کنیم و باخت امید را به گردن این نامه بیندازیم.» این در حالی است با توجه به قوانین فوتبال قابل پیش‌بینی است که به زودی نتیجه بازی رفت تغییر می‌کند و طبیعی بود که بازیکنان نتوانستند بازی همیشگی خود را انجام دهند. کفاشیان اعلام کرد با مقصران به طور جدی برخورد می‌کند. اما سوال اصلی این است که مقصر کیست؟ اسفندماه بعد از اینکه نامه محرومیت کامیابی‌نیا به کمیته بین‌الملل فدراسیون رسید مهدی محمدنبی، دبیرکل فدراسیون این نامه را در اختیار سرپرست وقت تیم امید و رییس کمیته جوانان فدراسیون قرار داد و حالا همه آنهایی که دست‌اندرکار تیم امید بودند دیگری را گناهکار معرفی می‌کنند. از نگاه بهرام افشارزاده، دبیرکل کمیته ملی المپیک در این فاجعه داود پرهیزگار (سرپرست سابق تیم امید)، عباس ترابیان (سرپرست کمیته بین‌الملل فدراسیون فوتبال) و فریدون معینی (رییس کمیته جوانان فدراسیون) مقصرند، چراکه آنها از محروم بودن کامیابی‌نیا مطلع بودند و باید این موضوع را به اطلاع کادر فنی و سرپرستی تیم امید می‌رساندند. ترابیان خودش را مقصر نمی‌داند و این اتفاق را نتیجه سهل‌انگاری سرپرست تیم امید و رییس کمیته جوانان می‌داند. اصغر حاجیلو، سرپرست تیم امید، خود را کاملا بی‌اطلاع می‌داند و معتقد است که گناهکار واقعی سرپرست سابق تیم امید است که اطلاعات و مدارک تیم امید را در اختیار او قرار نداده است. او نیز ترابیان و کمیته بین‌الملل فدراسیون را بی‌تقصیر نمی‌داند. پرهیزگار سرپرست سابق تیم امید هم هیچ تقصیری را متوجه خود نمی‌داند و می‌گوید که وظیفه حاجیلو بوده تا اطلاعات تیم را از فدراسیون طلب کند. جالب اینکه در این شرایط پیچیده، نبی دیواری کوتاه‌تر از خود بازیکن پیدا نکرده و تاکید دارد که خود بازیکن می‌دانسته دواخطاره است و نباید بازی می‌کرد!

به هر حال این اولین باری نیست که فدراسیون کفاشیان چنین دسته گلی به آب می‌دهد. در موارد قبل که آب از آب تکان نخورد باید دید این بار با این فاجعه تاریخی چه برخوردی می‌شود. پنجشنبه‌شب حاضران در ورزشگاه آزادی خواهان کنار رفتن کفاشیان از فدراسیون فوتبال بودند؛ رییسی که در زمان ریاستش، فوتبال ایران انواع ناکامی‌ها و گاف‌ها را تجربه کرد؛ نرسیدن به جام جهانی، ناکامی تیم‌های نوجوانان و جوانان، نتیجه نگرفتن تیم امید در بازی‌های آسیایی، از دست دادن کرسی در انتخابات کنفدراسیون فوتبال آسیا، کنار گذاشتن تیم بانوان از رقابت‌های انتخابی المپیک، اشتباه شدن پیراهن تیم نوجوانان، دخالت دولت و سازمان تربیت‌بدنی در تصمیمات فدراسیون فوتبال، ناکامی در جام ملت‌های آسیا، بی‌نظمی در انتخاب سرمربی برای تیم‌های ملی، لغو بازی‌های دوستانه تیم‌های ملی و حذف تحقیرآمیز از المپیک لندن.

ادامه از صفحه اول

وای بر من!

بالاخره ساکت شد، ساکت که نه، در حقیقت خالی شد. حتی انرژی ذخیره‌اش هم ته کشیده بود. احساس کردم یخ کرده است. یک چای داغ برایش ریختم، چند تا سوهان عسل هم گذاشتم کنار نعلبکی‌اش. از یک جایی بالاخره باید وارد می‌شدم، آهسته گفتم: «حیف شد!» ماهی مرده را دیده‌اید که یکدفعه دم می‌زند، همان شکلی از جا پرید و گفت: «اینا خیلی بی‌معرفتن! می‌دونی چرا؟ برای اینکه نمی‌دونن معرفت یعنی چی؟ فوتبال رو روستایی کردن و رفتن.» آهسته و زیر لب شعری از نیما خواندم. «در همه این لحظه‌های از پس هم رفته ویران / از بن ویرانه‌اش امیدهای ماندگان مدفون؛»

- گفت: «چی میگی پچ‌پچ می‌کنی؟»

- گفتم: «شعر می‌خونم.»

- شعر کی؟ باز هم بخون!

- شعر را دوباره تکرار کردم و گفتم از قطعه «پادشاه فتح» است.

- «باز هم بخون!»

- «هفت شب، همچو ورم کرده تنی گرم در استاده هوا، / هم از این‌روست نمی‌بیند اگر گمشده‌ای راهش را.»

- «کی گفته؟»

نیما

- «نیما کیه؟»

- نیما یک شاعریه که در یوش به دنیا آمده و پیش روحانی ده خوندن و نوشتن یاد گرفته. یک روستازاده که سبک نوینی در شعر کشور ما به وجود آورده. بعد از او شعرای بی‌شمار شهری سعی کردهان مثل او شعر بگن.

- «گفتی اسمش چیه؟»

- «نیما، نیما یوشیج.»

- «می‌تونی یک شعر دیگه از اون بخونی؟»

- یک قطعه داره «وای بر من»!. «کشت‌گاهم خشک ماند و یکسره تدبیرها/ گشت بی‌سود و ثمر/ تنگنای خانه‌ام را یافت دشمن با نگاه حیله‌اندوزش/ وای بر من! می‌کند آماده بهر سینه من تیرهایی/ که به زهر کینه آلوده است.» خوشت می‌یاد؟

- «آره!»

- ببین، نیما توی ده کوچکی به نام یوش زندگی می‌کرده، در حقیقت روستایی بوده. اهالی شعر و شاعری نیما یوشیج و مرد بزرگ شعر ایران می‌دونند. پس می‌بینی، شعر شهری و روستایی نداره، همان‌طور که فوتبال هم نداره، این فوتبال رو خود شهری‌ها اتفاقا خراب کردن. فوتبال ما بازنده شده. ورزش برد و باخت داره. وقتی بردی باید متین باشی و وقتی باختی باید تحمل باخت داشته باشی، نیما دیدی چی گفت: «وای بر من! می‌کند آماده بهر سینه من تیرهایی/ که به زهر کینه آلوده است.» مواظب باش به خاطر فوتبال نفرت و کینه توی دلت راه پیدا نکنه. اونم به روستایی‌های زحمتکش. ساکت بود و من در دلم گفتم وای بر ما!

جدول ۱۲۵۰

افقی:

۱- کارد- بشر- صدای کلفت ۲- محل فعالیت کارمند- نقاش تابلوی دسته گل بهاره- نیروها ۳- آشکار- پس غذا- هم نام ۴- یکدندگی- خواب نیمروز- حرکتی در جودو ۵- مبهوت و متحیر- تازه کار- چروک پوست- پسوند شباهت ۶- پیشی گرفتن- از غدد بدن- میهمانخانه ۷- نوعی‌اش- ناشناس- خاندان ۸- ضد پشتک- روزها ۹- پهلوان- نوای خواب- محل دفن ۱۰- زاییدن- سم کشنده- پایتخت عمان ۱۱- برابر ومساوی- اولین سلسله پادشاهی ایران- برادر مادر- دارو ۱۲- همان شلوار- هدایت‌گر- نیمه بدن ۱۳- سفید بیگانه- میوه پر خاصیت- برج فرانسه ۱۴- پایه- افشرده خشم شده آلو- شهر وبندری در شمال شرقی ایتالیا ۱۵- حرف انتخاب- از اسطوره‌های خط حمله لیورپول- از وسایل خیلی موثر در ماشین

عمودی:

۱- چرب زبان- بازاریابی ۲- نام ترکی- ستمکار- شهری در قبرس ۳- چهارچوب عکس- کارگر کشتی- وسط ۴- کاغذ فروش- بسیار کشنده- شکست خورده در شطرنج ۵- بانگ جانور درنده- ترسیده- شلوار جین ۶- صاف- مولود- جدا ۷- محل ورود- میله حلاجی- یازده الف روی الف- تر و تازه ۸- پیشگویی‌های او درباره علم شیمی شگفت آور است- اثر برتراند راسل ۹- اره درودگری- ضمیر اشاره- پول چین- ویتامین انعقاد خون ۱۰- حزین- درختچه آپارتمانی- کرگدن ۱۱- صدمتر مربع- کشتی جنگی یونان باستان- نوعی اسباب بازی ۱۲- صدا- ویران‌کننده- کراهت داشتن ۱۳- گام- تباه‌کننده- ماست چکیده ۱۴- از باشگاه‌های معتبر پرتغال در جام‌های اروپایی- نقش‌ها – رطوبت ۱۵- در مقام تحسین و تعجب می‌گویند- خوابیدن به پشت

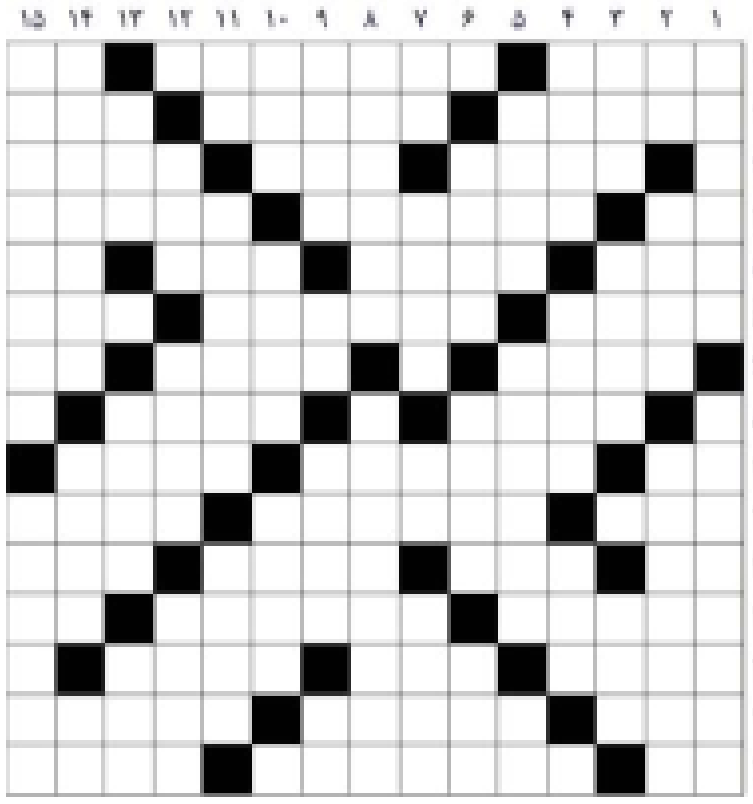

حل جدول ۱۲۴۹

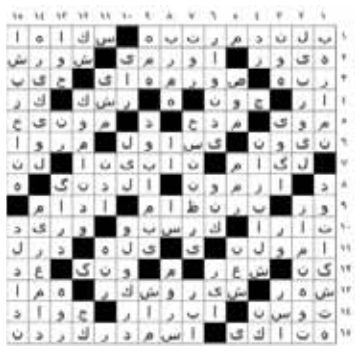

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۲۵۸

	3			7		9		
	7				3	6	2	
		5				8	7	
			2			5	8	6
3						4	1	
8			4		5	2		
6				9		1		
	4	1					6	
5	2					7		

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو ۲۵۷

9	7	4	3	8	6	5	2	1
3	8	1	7	5	2	6	9	4
6	5	2	1	9	4	7	3	8
8	4	3	2	6	5	9	1	7
7	9	5	4	1	8	3	6	2
2	1	6	9	3	7	4	8	5
1	2	9	5	4	3	8	7	6
4	3	8	6	7	1	2	5	9
5	6	7	8	2	9	1	4	3